



## رفتار با کودکان

فرزاد ادیبی

کارشناس تعلیم و تربیت

toloos@hotmail.com

## سمینار یکروزه در باره کودکان

«Apati» در سوئد

## چاره کار کدام است؟

## کودک ناتوان، کودک توانا

آخرین قسمت :

درکی که جامعه بزرگسالان و پدران و مادران از کودک دارند، رابطه آنان و روش برخورد آنان را با کودک تعیین می کند. کسانی که معتقد هستند، کودک گل خام کوره پزخانه است و باید آنرا فرم و شکل داد، هیچگاه نمی تواند محیطی مناسب برای آموزش و یادگیری کودک، فراهم کند. محیط مناسب کودک، تنها به داشتن دسترسی به قلم و کاغذ، وسایل بازی و حتی رفاه و محیط امن زندگی، محدود نمی شود. کودک به محیطی نیاز دارد که حس کنجکاوی نیازش را به تحقیق و آزمایش، تامین کند. منظور آزمایشگاهها پیچیده فیزیک و شیمی نیست. محیطی منظور است که برای کودک، سوال ایجاد کند و کودک بتواند با اتکا به تواناییهای خودش، سعی در پیدا کردن جواب بکند. ممکن است که همیشه کودک به جواب درستی نرسد، اما آن تلاش و کوششی که او برای یافتن جواب می کند، مهم و اصل است. اسباب بازیهای گران قیمت با تکنیک پیشرفته و مدرن که همه چیز آنها کامل است، کمک زیادی به رشد آموزشی کودک نمی کند. اما در عوض مقداری چوب و نخ و کارتن خالی، می تواند تخیل کودک را برای ساختن یک خانه، یک ماشین و هر نوع اسباب بازی و ماتریال دیگری، را جذب کند.

ادامه در صفحه 3



سمینار یکروزه 26 آوریل توسط نهاد کودکان مقدمات و ادامه در صفحه 3

## یک پیشروی بزرگ برای نجات کودکان یک پیروزی برای پناهندگان

هما ارجمند- دبیر کودکان مقدمات صفحه 6

## کودکان مبتلا به آپاتی دیپورت نمی شوند!

در برابر فشار افکار عمومی، دولت سوئد عقب نشینی می کند!  
کودکان مقدمات- سوئد  
صفحه 7

## ملاحظات بر تیر یک مقاله

صفحه 5

جلیل جلیلی

جمع آوری امضاء برای حق پناهندگی  
کودکان آپاتی، توسط فعالین کودکان  
مقدمات در مراسم اول ماه مه استکهلم

صفحه 7

زندگی شاد، امن و خلاق حق مسلم کودکان است

## خانه من کجاست؟



مهر نوش معظمی

## قسمت دوازدهم

روزها شاهین پشت پنجره ایستاده و فکر میکرد. او دوستانش را در ایران به یاد می آورد که چگونه در کنار زمین بازی نشسته اند و درباره او باهم حرف می زدند. نه نمیتوانست این فکر را از سر خود براند که او دیگر در آن زمین مسابقه نخواهد داد. و باید در کشوری دیگر و بازبانی ناشناس با دوستانی جدید به مدرسه برود. او حتی پسر و دختر عمو های خود را نمی توانست

دبیر  
کودکان مقدمات  
هما ارجمند

homawpi@rogers.com

سردبیر  
هفته نامه  
کودکان مقدمات  
فرزاد ادیبی

00460704917494

Kodakan\_moqadamand@hotmail.com

toloos@hotmail.com

مسئولین مرکز  
بخش:  
شهبلا خباززاده  
سروش ابراهیمی

kudakanmoqadam@aol.com

shahlaxabazzade@aol.com

soroshebi@yahoo.com

می کردند و سخنی نمی گفتند. در این لحظات همه آنها لال بودند. شاهین می دید که پدر و مادرش آن رل خود را از دست داده اند. آنها حتی در مورد خودشان هم قادر به تصمیم گیری نبودند. وضعیت آنها از زمین تا آسمان با قبل فرق کرده بود. روابط آدمها سرد بود. انگار مجبور به دیدار هم بودند. روزهای هفته را در خانه و با تلویزیون سپری میکردند. روز شنبه، روز خرید از فروشگاههای بزرگ بود و انتخاب جنسهای به حراج گذاشته شده! کسی برای دیگری وقت نداشت. همه با هم قهر بودند. در قطار مسافرتی در گوشه ای کز کرده و سر هایشان در کتاب و یا روزنامه گم بود. از ساعت شش شهر به خواب میرفت. سکوت آزاردهنده بود و نبودن آدمها در شهر...

آنها در این شهر آبها اسیر بودند. شاهین اینطور تصور میکرد و مطمئن بود که مادرش هم با او هم عقیده بود. شاهین دیگر بندرت خنده های مادرش را می شنید و از آن همه جنب و جوش و فعالیت شبانه روزی او خبری نبود. باید منتظر می نشست که او را به سر میز غذا دعوت میکردند و هر هفته باید خود را به شرایط دیگری و در خانه ای دیگری

عادت میداند. مرخصی ها تمام شده بود و بچه ها هم مدرسه رفتن را آغاز کرده بودند. از این قرار برنامه های خانواده مهمان هم عوض شد. باید شبها در اتاقی خود را زندانی میکردند و درسکوت به تلویزیونی که از آن هیچ چیز نمی فهمیدند زل میزدند. روزها به انتظار آمدن صاصبخانه های خود ساعت هارا می شمردند. وقتی که همه از سرکارو مدرسه برمی گشتند یک شور و شوق آنها را فرا می گرفت، حتی شاهین که لال شده بود و در دنیا ی خود بسر میبرد برای لحظه ای به جمع ملحق می شد ولی برای مدتی کوتاه. او سعی میکرد که بفهمد که دختر و پسر عمو های او در ظاهر چه تفاوتی با او و خواهرش داشتند. ظاهرا همه چیز، در لباس مو، زبان، علاقمندیها، و از همه بدتر آن غذاهایی که شاهین بسختی و از ترس نگاههای پدرش لب میزد، آنها با اشتها میخوردند. و شاهین به مادر بزرگ و غذا هایی که دیگر وجود نداشتند، می اندیشید به آن گرمی سرو صداهای او. همه و همه چیز از او دور شده بود. آن شیطنت و آن شلوغیهایش و دایی محمود... آه چقدر تنها شده بود. پدرش که او را اصلا نمی دید. این شهر، این شهر آزاد و رایوهای

که براحتی از رژیم حرف میزدند، برای پدر یک بهشت بدون ملا و خدا بود. مادر با همسر عمو نادر انگیزی حرف میزد و با او احساس دوستی میکرد. اگر چه او را کمتر ملاقات میکرد. هفته ای هم که در آپارتمان کوچک آنها بسر میبردند، این زن آرام سوندی بیشتر در عالم خود و اتاق خوابش خود را سرگرم میکرد. ولی مریم حس میکرد که با او می تواند حرف بزند. او تنها کسی بود که غم او را درک میکرد. از این روی مریم خواست که به این زن بیشتر نزدیک شود. به دوستی با یک نفر احتیاج داشت. کسی که به او زخم زبان نمی زد.

مریم شروع به نظافت کرد. تمام روز را به کار مشغول بود. همه اتاقها و آشپزخانه، حمام و قفسه ها را مرتب و گردگیری کرد. خانه رنگی دیگر به خود گرفته بود. بوی غذای ایرانی حتی در راهروها هم پیچیده بود. ساعت شش بعدازظهر بود و عمو و همسر سوندیش وارد آپارتمان شدند. عمو خندید و گفت: به به چی شد... وای بوی خورش کرفس... آه مریم چی کردی... حال دادی به خانه ما...

ادامه در صفحه 8

## دست مذهب از زندگی کودکان کوتاه

## ادامه سمینار یکروزه:

فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی با شرکت سرشناس ترین چهره های پناهندگی احزاب پارلمانی سوئد در محل جلسات هفتگی فدراسیون در استکهلم برگزار گردید. جمع قابل توجهی برای شنیدن نظرات این الیت سیاسی



کریم شاه محمدی دبیر کودکان مقدمند در سوئد



کیمیا پازوکی دبیر فدراسیون در استکهلم

در زیر یک سقف، برای پرسش و پاسخ و ارائه راه حل در خود امر مهمی به شمار می رفت.

یوته والستروم از حزب حاکم سوسیال دمکرات، گوستاو فریدولین از حزب محیط زیست، فردریک فدلی از حزب مرکز، آنه ماریه اکستروم از حزب لیبرال مردم، آنیتا دوراسیو چهره سرشناس و جنجالی مدافع حقوق پناهندگی از نهاد کودکان مقدمند و کمیته پناهندگان «Asyl Kommitte»، سون بروس از حزب سوسیال

پارلمان سوئد و مناظره بر سر مسائل پناهندگی و مشخصا اقامت کودکان مبتلا به «آپاتی - در خودمانده» در سالن گرد آمده بودند. پس از پیروزی درخشان تظاهرات بزرگ ۲۱ آوریل، و اعلام خشم و نارضایتی عمومی از وضعیت پناهندگی در سوئد و تمایل عمومی جامعه به اقامت عمومی به کلیه پناهندگان تا پایان سال ۲۰۰۶، این جلسه از ویژگی خاصی برخوردار بود. حضور چهره های درجه اول مسایل پناهندگی در سوئد

مسیحی، کیمیا پازوکی از فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی - استکهلم و کریم شامحمدی از نهاد کودکان مقدمند.

مناظره با طرح سئوالات کلیدی راه چاره احزاب توسط کیمیا پازوکی آغاز گردید. و سپس نمایندگان احزاب با ارائه راه حل های خود به نقد نظرات و افشای سیاست های یکدیگر پرداختند. حضور قدرتمند مردم و طرح سئوالاتی که چهره واقعی و پس پرده احزاب را نمایان می کرد از جنجالی ترین بخشهای این جلسه پرشور بود.

تراژدی پناهندگی در سوئد، چهره دورویانه سیاستهای پناهندگی دولت سوئد، بی اعتنائی آشکار دوائر و ادارات پناهندگی، آبروریزی های مداوم ادار اتباع بیگانه و اداره مهاجرت سوئد، و نقش منفی و سیاستهای منفور وزیر امور مهاجرت و

نیز سیاستها و تبانیهای احزابی که خود را مدافع حقوق پناهنده جلوه می دهند، از دیگر مسایل مهم مطرح شده در این سمینار یکروزه بود. خواست بدون قید و شرط اقامت به کودکان مبتلا به «آپاتی» و اقامت عمومی و قانونی کلیه پناهجویان تا پایان سال ۲۰۰۶ مهمترین خواستهایی بود که با استدلالهای قوی و دندان شکن از سوی مدافعان حقوق پناهندگی مطرح میشد.

برای دیدن مشروح این سمینار موفق و موثر، فیلم مستند این سمینار در سایت اینترنتی کودکان مقدمند، [www.barnenforst.com/index.htm](http://www.barnenforst.com/index.htm) قابل دسترس است. بخشهای مهمی از این مناظره پرشور در توسط کیمیا پازوکی به فارسی ترجمه شده است.

کودکان مقدمند

فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی - استکهلم- 20050426

ادامه کودک ناتوان... چند بطری پلاستیکی، سطلی آب و مقدرای ماسه، کودک را به دنیایی از ساختن، آزمایش کردن و آموختن وارد کند. کودک توانا در همچین محیطی توانایش را به نمایش می گذارد، این تواناییها رشد می کنند و خود را برای دنیای بزرگسالی آماده می کند. در وحله اول ما بزرگسالان، مسئولان جامعه، مسئولین آموزشی و پدران و مادران باید درک و برداشت خود را از کودکان و توانایی های آنان تغییر دهیم و سپس باید محیط کودک را بر اساس درک «کودک توانا»، برای رشد وی مهیا کنیم.

در مهد کودکی که در ایتالیا، دانمارک، فنلاند و سوئد، این درک «کودک ناتوان» کنار گذاشته شده است و محیطی مناسب براساس درک «کودک توانا» ساخته شده است، رشد تواناییهای این کودکان به مراتب بیشتر از مهد کودکی سنتی است.

این شماره به مناسبت گسترش کمپین دفاع از حق پناهنده گی کودکان آپاتی و موفقیت های کسب شده در این رابطه، در هشت صفحه منتشر می شود

### توجه توجه

مسئولیت مقالات بدون امضاء به عهده سر دبیر نشریه است

# مسکن، تغذیه، بهداشت و رفاه برای همه کودکان

## سیري در ادبيات كودك «كودك در ادبيات ايران»

ميلاد پرتوی- ايران

هـ. سالها نوجواني (دوازده تا پانزده سالگي): دوره بلوغ، دومين بحراني، با تغييرات جسمي عواطف شديد مي شود و به صورت سرگردانيها، طغيانها، تقلیدها بروز مي کند. به دنبال جهان بيني و فلسفه خاص مي باشد. به دنياي بزرگ ترها معترض است. دوره پر مخاطره اي است. يك مرتبه وجودش دچار تحولات سريعي شده که با آن تحولات آشنائي ندارد. نیاز به کمک شديد دارد. هيچ نوع کنترل بر عواطف و احساساتش ندارد به آسمان بهاري مي ماند. از نظر فرهنگي تحت تأثير محيط است. در هر شرايطي رنگ محيط را مي گيرد. تصاویر تخيلي و ایده آل براي خود از زندگي ترسيم مي کند. تأثير گروه همسالان به شديدترین درجه مي رسد. مریبان و پدر و مادر در درجه دوم اهمیت قرار مي گیرند. کتابهاي مناسب در اين دوره بهترین و مؤثرترین وسيله براي حفظ افکار و عواطف اوست. کتابهاي مناسب او را در مسیر سازنده قرار مي دهد. شرح حالها، ماجراهاي

واقعي از زندگي مردم و مردان بزرگ تاريخ، مبارزات اجتماعي تاريخچه اکتشافات و اختراعات، به او کمک مي کند که بر ضعفاي خود چيره شود و صفات واقعي بزرگسالان را بشناسد. داستانهاي واقعي و اصیل عشقي به او خواهد آموختکه خمر بر هوسهاي زودگذر نيزد. تجربه لحظات عاطفي نخستين عشقها در اين سنين است. داستانهاي در مورد روابط خانوادگي براي نوجوانان مطرح است، داستانهاي واقعي در اين زمينه مي خواند تا مشکلات خودش در آن مطرح باشد.

### 2. نیاز مندیها، نیاز به امنیت خاطر (مادي و معنوي)

در هر سن و سالي نیاز به : تعلق داشتن به گروه، محبت دیدن، مورد احترام بودن به سازي محيط، لذت بردن از زیباییها را روانشناسان و دانشمندان تعليم و تربيت از اساسي ترین و بالاترين نیازها مي دانند. با توجه به تفاوت سن و سال ، محتوای این نیاز متفاوت است. تعلق داشتن ، محبت دیدن ، از پدر و مادر ، خواهر و محبت ورزیدن به گلها و

حيوانات كوچك دست آموز ، درختان ، خورشيد محتوای داستانهاي مي توانند باشند که این نیاز را در كودك بر آورده نمايد. این نیاز کم کم تغيير مي کند دوستي بين همسالان و فداكاري ، انجام کارهاي مهم ، دوست داشتن حيوانات ، بزرگ تر بر احساس قبلي افزوده مي شود. محبت بين بزرگتر ها که در کتب مطرح شده باشد تجربيات تازه اي در اختيار نوجوان مي گذارد و کم کم او را بر اي احساس بزرگ و سازنده آماده مي نمايد. اگر بتوان نوجوانان را از نوشته ها ، فيلمها و تصاویر مبتذل دور نگهداشت تا به غناي محبت برسند و پيش از رسيدن به مرحله احترام به خود، از کارهاي دوران نوجواني احساس سر افکندي نکنند مفيد است.

شناخت این نیازها براي تعيين سن حداکثر استفاده از يك کتاب ضرورت دارد.

3. تواناييهاي خواندن و تسلط بر زبان تا پيش از 6 سالگي کتابها براي بچه ها خوانده مي شود. خواننده بايد بر ميزان توانايي كودك و

حدود واژگان او مطلع باشد، از تشبيهاات دور از ذهن پرهيزد، اصطلاحات و استعاره و مجاز تا مي تواند به کار نبرد. کار اصلي توصيف بر عهده تصوير باشد.

از شش و هفت سالگي تا حدودي قدرت خواندن مستقل را مي يابدد. این مرحله کتب بايد با دقت فراوان نوشته شود. تشبيهاات عاميانه، اصطلاحات نامفهوم ، توصيفات طولاني و کلمات دشوار در متن نباشد. منظور گزينش واژه هاي ساده و دلنشين و هنرمندانه است. در حدود فهم و درک. نوشته ها در عين سادگي بايد غني کننده واژگان و شناخت كودك در زبان مادريش باشد.

بين نه تا ده سالگي سرعت و مهارت خواندن بيشتر مي شود. دروس دبستان ، كودك را با واژه هاي متداول در رشته ها آشنا مي سازد. كودك به بعضي صنايع شعري و ادبي آگاهی مي يابد. و تا حدودي انواع نوشته ها و سبکها براي معنای پيدا مي کند. به کیفیت نوشته ها توجه مي کند و نسبت به آنها دیدي انتقادي مي يابد. خواندن کلمات شکسته براي دشوار و غير قابل درک است. آهنگ و خصوصيات چنين ترکیباتي را نمي تواند کشف کند. در ده و يازده سالگي واژه هاي بيشتر مي شناسد به

خصوص اگر علاقه مند به خواندن باشد. عادت به مطالعه در او ايجاد مي گردد. اصطلاحات ساده ، ضرب المثلا ، استعارات و تشبيهاات ادبي اوليه را در مي يابد. بسياري از اشعار بزرگان را هنوز بايد براي معنای کرد. شعر هاي ساده در محدوده زندگي و تجربه خود را مي فهمد. نسبت به نوشته ها ي عميق هنر مندانه توجه مي کند. سبکهاي ادبي را تا اندازه اي باز مي شناسد. واژه هاي شکسته محاوره اي در خواندن او وقفه ايجاد مي کند. از نوشته ساده و روان با رسم الخط خوانا استفاده مي کند.

در نوجواني قدرت خواندن به حدي ميرسد که مي تواند از ادبيات ساده کلاسيک بزرگسالان استفاده کند. ايت استفاده در کنار بحث با بزرگترها بر مطلق خوانده شده و ضمن ايجاد فرصت تعمق، مطلوب است. به تدريج توجه نوجوانان به صنايع ادبي از نظم و نثر بيشتر مي شود. به طوري که در نوشته هاي خود نيز به تدريج آنها را به کار مي برند. به کار بردن پارسي سره براي كودكان و نوجوانان ساده نيست. بسياري از واژه هاي عربي، ترکیبات، اصطلاحات اين زبان را بايد بيامورند. منطقي ترين راه درست نوشتن براي كودك و نوجوان استفاده از زبان روز قابل فهم اما اديبانه و هنرمندانه است. بعد از واژه شماری زبان فارسي بسياري از مشکلات در كودكان و نوجوانان حل خواهد شد.

ادامه دارد

ممنوعيت هر نوع آزار روانی، فشار و ارباب به كودكان

## ادامه ملاحظاتی بر تیتیر یک مقاله:

نشریه **کودکان مقدمند** یکی از نشریات مورد علاقه من، و یکی از نشریاتی است که هدف اعلام شده اش و سیاست رسمی اش دفاع از انسانیت و تبلیغ و دفاع از حقوق کودکان میباشد. مقالات جالبی در دفاع از حقوق جهانشمول کودکان و توضیحات علمی در مورد تربیت کودکان و رفتار انسانی با آنها، و همچنین تصاویر قشنگی از آکسیونهای مربوط به دفاع از حقوق کودکان در شماره های مختلف این نشریه به چشم میخورد. بهمین خاطر، در کنار کمک به انتشار منظم و پخش نشریه کودکان مقدمند، وظیفه خود میدانم که به نکاتی که میتوانند تفسیر دیگری از هدف اعلام شده نشریه بدهند یا سوء تفاهم ایجاد کنند برخوردی انتقادی داشته باشم.

یکی از این نکات تیتیر مقاله ای است که در صفحه اول **کودکان مقدمند** شماره ۲۵ در رابطه با قتل اقبال مسیح به چشم میخورد. تیتیر مقاله چنین است: «ده سال از قتل **ناجوانمردانه** اقبال مسیح گذشت!» من زیر کلمه **ناجوانمردانه** خط کشیده ام که نکاتم را در این مورد بیان کنم. قبل از هر چیز لازم میدانم اشاره کنم که این اصطلاح احتمالاً سهواً از

طرف نویسنده مقاله مورد بحث به کار گرفته شده است بنابراین نقد من در اینجا متوجه دیدگاه یا نظر سیاسی نویسنده نیست. شاید اولین نکته ای که، بعد از خواندن تیتیر مورد بحث، بنظر خیلی ها برسد این باشد که قتل **جوانمردانه** و قتل **ناجوانمردانه** دیگر چه صیغه ایست. آیا نویسنده میخواهد به جنبه **ناجوانمردانه** بودن قتل، و در مقاله مورد بحث به **ناجوانمردانه** بودن قتل اقبال مسیح انتقاد کند و آنرا قبیح جلوه دهد یا به نفس قتل. تا آنجا که من میدانم، اهداف اعلام شده **کودکان مقدمند** و سیاستهای تاکنون جاری بر این نشریه قتل انسان را، در هر شکل اش، قبیح میدانند و به همین خاطر بخشی از جنبش جهانی برای پایان دادن به هر شکل و هر نوع قتل انسانها است. و خود اقبال مسیح هم، که در مقاله مورد اشاره بدرستی از او بعنوان یکی از رهبران یک جنبش عظیم انسانی برای لغو کار **کودکان** یاد شده است، نه در اعتراض به استثمار **«ناجوانمردانه»** کودکان بلکه در اعتراض علیه هرگونه استثمار **کودکان** به قتل رسید. و ما هم نه به **«ناجوانمردانه»** بودن قتل او بلکه به نفس قتل او و قتل هر انسان دیگری، چه **«جوانمردانه»** و چه **«ناجوانمردان»** اعتراض

داریم. شاید یکی فکر کند که من دارم مته به خشخاش میگذارم و این اشکال را بیش از حد بزرگ میکنم. و شاید گفته شود که نویسنده برای برجسته کردن قبح عمل قتل از این صفت استفاده کرده است. به همین خاطر برای جلوگیری از چنین تعبیری، و برای نشان دادن نادرست بودن استفاده از این ترکیب، اجازه بدهید فرض کنیم که نویسنده تیتیر مقاله مورد اشاره بجای استفاده از ترکیب **«ناجوانمردانه»** از بخش دوم آن، یعنی **«نامردانه»** برای بیان منظور خود استفاده میکرد. آیا فکر نمیکنید که اگر بلافاصله متوجه اشتباه خود نمیشد و آنرا اصلاح نمیکرد شاید صدها نامه اعتراضی از طرف خوانندگان این نشریه دریافت میکرد. اگر استفاده از کلمه **«مردانه»** و **«نامردانه»** برای توصیف رفتار انسانها نشانه دفاع و تبلیغ فرهنگ مرد سالارانه و آشکارا نشانه تبعیض علیه زنان است، چرا استفاده از اصطلاح **«ناجوانمردانه»** که ترکیبی است از دو کلمه به همان اندازه تبعیض آمیز **«ناجوانانه»** و **«نامردانه»**، قابل توجیه میشود. شاید یک نفر **«جوانمرد»** پیدا شود و در توضیح فرق بین **«قتل جوانمردانه»** و **«قتل ناجوانمردانه»**، و یا کلا

در باره رفتارهای **«جوانمردان»** و **«ناجوانمردانه»** صفحاتی را سیاه کند. شاید بهمین خاطر لازم باشد به تاریخچه و زمینه های اجتماعی این اصطلاح **«جوانمردانه»** و شکل منافی آن، **«ناجوانمردانه»**، مانند هر اصطلاح دیگری، در یک دوره معینی از تکامل اجتماعی شکل گرفته و بکار رفته است. این اصطلاح، که خود ترکیبی است از دو کلمه **«جوانانه»** و **«مردانه»**، وقتی که بعنوان صفت در توصیف رفتارهای انسانها بکار گرفته میشود، حامل دو نوع تبعیض است؛ تبعیض جنسی و تبعیض سنی. تبعیض جنسی در بخش دوم این اصطلاح، **«مردانه»**، و تبعیض سنی در بخش اول آن، **«جوانانه»** نهفته است. و دو جزء این ترکیب احتمالاً تاریخ جداگانه ای هم داشته باشند. در جوامعی که تبعیض جنسی بر علیه زنان حاکم بوده، اصطلاح **«مردانه»** برای توصیف رفتارهای قابل پسند در آن جامعه بکار گرفته شده و میشود. و بکار گیری این کلمه در این ظرفیت، احتمالاً با شروع تبعیض علیه زنان شروع شده است و وجود این تبعیض زمینه اجتماعی بقاء این اصطلاح را فراهم کرده است. در چنین جوامعی

فرض بر این است که مردان دروغ نمیگویند بلکه دروغ مال زنان است. مردان نمیترسند بلکه ترس مال زنان است. مردان حیله گر نیستند بلکه حیله گری مال زنان است. و بهمین خاطر، با این معیارها، اگر رفتار ناپسندی از مردی سر زند آنرا رفتاری **«زنانه»**، و برعکس، اگر رفتار قابل پسندی از زنی سر زند آنرا رفتاری **«مردان»** توصیف میکنند. شاید هم بدلیل نیست که در ادبیاتی که به **«ادبیات ملی»** و یا **«ادبیات خلقی»** معروف است، از این نوع توصیفات فراوان بچشم میخورد. اما بخش اول این ترکیب هم، یعنی **«جوانانه»**، اگر چه به وسعت بخش دیگر آن بکار گرفته نشده و شاید به اندازه آن زمخت و تبعیض آمیز بنظر نرسد، حامل تبعیض سنی است و درست نیست که برای توصیف رفتارهای انسانها بکار برده شود. شاید اصطلاح **«جوانانه»** بعنوان یک صفت، در ادبیات کهنه و عقب افتاده، به این خاطر بطور مستقل کار برد پیدا نکرده، و اگر هم بکار برده شده محدود بوده، که بخشی از آن قشر از جامعه که تبعیض مستتر در آن متوجه آنهاست، یعنی مردان **«غیر جوان»** خود در قدرت **بقیه در صفحه 6**

# ممنوعیت کار حرفه ای برای کودکان و نوجوانان

## ادامه ملاحظاتی بر تیتراژ مقاله:

بوده اند و در مقابل آن ایستاده اند و حتی کار برد مستقل آنرا با تحقیر کردنش محدود کرده اند. مثلا آنرا جاهلانه خوانده اند. و بهمین خاطر همیشه خود را به کلمه با نفوذ "مردانه" چسبانده و در ترکیب هایی مثل "جوانمردانه" و "ناجوانمردانه" بکار رفته است. ولی آن قشر از جامعه که تبعیض مستتر در اصطلاحات "مردانه" و "نامردانه" متوجه آنهاست، یعنی زن ها نه در قدرت بوده اند و نه قدرتی در شکل دهی به فرهنگ مسلط جامعه داشته اند. بهمین خاطر در فرهنگ و ادبیات حاکم از این کلمات بوفور و مثل نقل و نبات استفاده شده است.

و اما اصطلاح و معجون "قتل جوانمردانه" و "قتل ناجوانمردانه"، هر تاریخی هم داشته باشد، بعنوان یک صفت معمولا در جوامع و فرهنگهایی بکار برده میشود که خود قتل و کشتن آدم ممنوع نیست و قبیح شمرده نمیشود بلکه فقط شکلی از آن، "قتل ناجوانمردانه" محکوم و زشت شمرده میشود. شاید هم قتل هایی جوانمردانه توصیف میشدند که قاتل قدرت آنرا داشت که قتل را در روز روشن انجام دهد و آنرا جزء افتخارات قومی و ملی به ثبت برساند. و قتلهایی که در خفا انجام میشدند و قاتل در موقعیتی نبود که بتواند از عمل خود دفاع کند، قتلهای ناجوانمردانه نامیده میشدند. احتمالا شاهنامه فردوسی نمونه های زیادی از این دو نوع قتل در خود داشته باشد که از یکی با افتخار فراوان و از دیگری با مذمت و تحقیر یاد میشود.

امروز در جوامعی که بحث از این هست که انسانها بصراف انسان بودنشان محترم هستند و باید حقوق برابری داشته باشند، تلاش میشود تا اصطلاحاتی که دارای بار تبعیض بر علیه بخشی از جامعه هستند، چه جنسی و چه سنی، و برتری دهی به بخشی در مقابل بخش دیگر را به ذهن متبادر میکنند، و همینطور لغات و اصطلاحاتی که شخص را نه صرفا به اعتبار انسان بودنش بلکه به اعتبار زبان، رنگ پوست، جنسیت، توانایی جسمی و موقعیت خصوصی اش توصیف میکنند کمتر و کمتر در محاورات و مکاتبات رسمی بکار برده شوند. در زبان فارسی اصطلاحاتی از قبیل "مردانه" و "نامردانه"، "جوانمردانه" و "ناجوانمردانه"، "بی ناموس" و "باناموس"، "باغیرت" و "بی غیرت"، "رو سفید" و "رو سیاه"، "سیاه قلب" و "سفید قلب"، "ترکتازی"، "مغولوار"، "دوشیزه" و . . . که حامل بار تحقیر آمیز و تبعیض آمیز هستند بهتر است که در محاورات و مکاتبات رسمی بکار گرفته نشوند. لندن/ 28 آوریل 2005

برنامه تلویزیونی کودکان مقدمند چهارشنبه ساعت 8 شب و ساعت 12 ظهر به وقت تهران از کانال جدید، تل استار 12، فرکانس 12608 مگاهرتز سیمبل ریت 19279، اف ای سی، 2/3 پلاریزیسیون افقی

## ادامه یک پیشروی بزرگ برای نجات کودکان . . .

امروز ۲۹ آوریل دولت سوئد اعلام کرد که پناهندگانی که کودکانشان مبتلا به بیماری آپاتی هستند را اخراج نخواهد کرد و کمیسونی جهت بررسی وضعیت آنان تشکیل خواهد داد. این خود تحمیل یک عقب نشینی بزرگ به دولت سوئد است و یک پیروزی برای پناهندگان محسوب میشود. این حاصل مبارزه و تلاش همه کسانی است که به انسان، به کودک و به پناهنده ارج میگذارند و در مصاف با دولتها و سیاستهای کودک آزار و ضد پناهندگی آنها از پای نمی نشینند. این پیروزی در عین حال حاصل کمپینی است که توسط فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی و نهاد کودکان مقدمند برای نجات جان کودکان مبتلا به بیماری آپاتی سازماندهی شده بود. این پیروزی را به همه پناهندگان، به همه خانواده هایی که کودکانشان به این بیماری جانگاز چار بوده و به همه انسانهای مترقی و مدافع حقوق پناهندگی تبریک میگوییم.

کمپین دفاع از کودکان مبتلا به بیماری آپاتی که بیش از چندین ماه است به راه افتاده است، تظاهرات بزرگ و قدرتمند ۲۱ آوریل در دفاع از پناهندگان که در استکهلم به رژه درآمد، سمینار ۲۶ آوریل "چاره کار چیست؟" که توسط فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی و نهاد کودکان مقدمند و با شرکت چندین شخصیت پارلمانی سوئد و فعالین حقوق پناهندگی و حقوق کودکان در ارتباط با کودکان پناهنده مبتلا به آپاتی سازمان داده شده بود، اهرمهای اصلی در تغییر سیاست دولت سوئد در این رابطه بودند. به همه دست اندرکاران این فعالیتهای درخشان باید تبریک گفت و همت بلندشان را باید ارج نهاد.

جا دارد به نقش بخشی از رادیوهای فارسی زبان در انعکاس مبارزه و خواستهای پناهندگان و دخالت آنان برای کسب این پیروزی تاکید شود و همچنین از همه سازمانهای سوئدی و غیر سوئدی که با حمایت خود از پناهندگان و کودکان بیماران شرکت خود در این مبارزه انسانی، این پیشروی مهم را ممکن ساختند قدردانی کرد.

این پیروزی بزرگ را باید به سکویی بدل ساخت برای پیشرویهای وسیعتر و بادوامتر. حاصل این پیروزی را باید به سرمایه ای بدل ساخت برای تحمیل اینکه همه پناهندگان ردی، بلا تکلیف و در راس آن پناهندگانی که کودکانشان به بیماری آپاتی دچارند بعنوان شهروندان متساوی الحقوق پذیرفته شوند. این اصل را باید در هر قدم به دولتها تحمیل کرد که حق انسانها و حق کودکان به داشتن یک زندگی ایمن، شاد و شکوفا هیچ پیش شرطی را نمیپذیرد و باید آن را برسمیت بشناسند.

20050429

# ممنوعیت فوری حجاب برای کودکان

## ادامه کودکان مبتلا به آپاتی دیپورت نمی شوند...

اداره مهاجرت سوئد اعلام کرد که تا اطلاع ثانوی حکم به دیپورت کودکان آپاتی «Apati» نخواهد داد. باربارو هولمبری، Barbro Holmberg وزیر اداره مهاجرت اعلام کرد که دولت تصمیم گرفته که دلایل پناهنده گی کودکان را جداگانه، بررسی کند و هیچ پناهجویی که مریضی خطرناکی دارد، دیپورت نشود. این اظهار نظر خانم وزیر به این معنی است که تا به حال، پناهجویان مریضی که خطر مرگ تهدیدشان می کرده نیز دیپورت کرده اند.

فدراسیون سراسری پناهنده گان و نهاد کودکان مقدمند، در بسیج افکار عمومی و سازمان دادن یک جنبش اجتماعی- انسانی وسیع و گسترده برای فشار به دولت سوئد نقش رهبری و تعیین کننده ای، را بعهده داشته اند.

در سال گذشته این دو تشکل مدافع حقوق پناهنده گی و حقوق کودکان، دوش به دوش هم، یک مبارزه وسیع و اجتماعی را، قدم به قدم پیش بردند. اعتصاب پناهجویان در زمستان 2004 در استکهلم و حضور فعالین کودکان مقدمند، برای کمک و حمایت کودکان پناهجو، آغاز سلسله فعالیتهای مشترک و جدی این دو تشکل رادیکال

شد. در کنفرانس کودکان مقدمند، و به دنبال سخنرانی پرشور کیمیا پازوکی درباره شرایط کودکان آپاتی و رفتار غیرانسانی دولت سوئد با ایشان و اخراج آنان از کشور، بدون توجه به شرایط خاص آنان، کمپین بین المللی مشترکی از سوی این تشکلهای، آغاز شد که با قدرت تا سمینار یکروزه 26 آوریل که در آن نماینده گان پارلمان، در یک دبات داغ با حمله رادیکال فعالین فدراسیون و کودکان مقدمند و همچنین پرسش های پناهجویان مواجه شدند، ادامه پیدا کرد.

تظاهرات بزرگ 21 آوریل، نه تنها موفق شد که نیروی پناهجویان از کشورهای مختلف را به میدان بکشد، بلکه احزاب کوچک و بزرگ جامعه سوئد را چنان تحت تاثیر گذاشت که آنها یکی پس از دیگری، این موضوع مهم را در دستور کار خود گذاشتند. در همین رابطه شبکه ای از فعالین و احزاب سوئدی و همچنین فدراسیون، کمپین مشترک و وسیعی به راه انداختند. این فعالین بدنه احزاب بزرگ سوئدی مانند سوسیال دمکراتها که دولت را در دست دارند و احزاب اپوزیسیون مانند حزب محافظه کاران را به جنب و جوش انداخت. اعضا و شبکه های زنان این احزاب به سیاست رسمی حزب خود معترض شدند و خواستار تحصحیح

تظاهرات بزرگ 21 ، سمینار یکروزه ۲۶ آوریل و تحصنها و تظاهراتی فعالین این تشکلهای در یوتبوری و مالمو، تنها گوشه ای از فعالیت گسترده این نهادها برای تحمیل حق انسانی پناهجویان و کودکان پناهجو، به دولت سوئد است. ما یک دنیا فعالیت برای رسیدن به حقوق انسانی مان در دستور

سیاستهای پناهنده پذیری سوئد به نفع حق پناهندگی شدند. این جنب و جوش حتی شاه سوئد را هم مجبور کرد که علیه سیاست رسمی دولت سوئد درباره کودکان مبتلا به آپاتی، موضع گیری کند.

این یک موفقیت بزرگ برای جنبش انسانی ما، جنبش حق پناهنده گی برای کودکان آپاتی و همه پناهجویان است. کمپین امنستی برای همه پناهجویان در سوئد، کمپینی است که با تمام قوا باید به پیش برد. باید کاری کرد که دولت در برابر این خواست انسانی، زانو بزند. هزاران کودک پناهجو در سخت ترین شرایط زیستی در کمپها و در خانه ها مخفی و امن از دیپورت پلیس، منتظر درخشش صبح امید زندگی خود هستند. صدها کودک مبتلا به آپاتی، رابطه خود را با دنیای ناعادلانه خارج قطع کرده اند و در دنیای تخریبی کودکانه خود، با مرگ دست و پنجه نرم می کنند.

کودکان مقدمند و پخش اطلاعاتی ها و نشریه های کودکان مقدمند، به زبان سوئدی، برای اجتماع کنندگان، وضعیت کودکان پناهجوی مبتلا به

کار داریم به ما پیوندید و از حقوق کودکان، دفاع کنید.

## کودکان مقدمند 29 اپریل 2005 سوئد

### ادامه جمع آوری امضاء...

امروز یکشنبه اول ماه مه، فعالین کودکان مقدمند در شهر استکهلم، با

آپاتی را تشریح کرده و آنها را دعوت به حمایت از حق پناهندگی این کودکان کردند. جمعیت با کمال میل لیست اعتراضی به سیاست دولت و خواست موافقت با اقامت این کودکان را امضاء کرده و تی شرتهای مزین به آرم کودکان مقدم را می خریدند. حضور فعالان کودکان مقدمند در میدان اجتماع شرکت کننده گان اول ماه مه، دهان به



پرپایی میز اطلاعاتی دهان گشت و صدها نفر



سراغ این میز و لیست اعتراضی را می گرفتند که آنرا امضاء کنند. این لیست به پیوست لیستهای دیگر جمع آوری شده، در اختیار پارلمان سوئد قرار خواهد گرفت.

## کودکان و مواد مخدر

بابک شدیدی

است. تو در زندگی من دخالت می کنی. دیشب به طور مثال آشپزخانه را که نوبت شوهرم بود، تو مرتب کردی و به او اجازه دادی که تمام شب روی میل لم بدهد و به فوتبال نگاه کند. و حالا خانه مرا نظافت کردی و بدون اجازه به کمد و قفسه های من سرکشی کردی. اگر خانه من کثیف است به من مربوطه و شوهرم، نه تو که فقط یک مهمانی! و حالا هم باعث شدی که من و شوهرم بخاطر تو دعوا کنیم و من دیگر حاضر به تحمل شما ها نیستم. یا من و یاشما...

عمو به آنها پیوست و دوباره سرو صدای آندو به زبان سویدی بالا رفت. پدر به طرف مریم که رنگ به رخسار نداشت و مثل بید می لرزید، برگشت: مریم این هم یک دسته گل دیگر، اصلا چی شده؟ چرا.

مادر بقیه حرفهای شاهپور را نشنید. به سرعت ساک لباس خود و بچه ها را بدست گرفت و شاهین و شعله بدنبال خود کشاند. در آپارتمان را باز کرد و از پله ها پائین رفت. هوای سرد پائیزی و تاریکی خوشایند بچه ها نبود ولی مریم همچنان میرفت و بچه ها بدنبال او... آنها در خبابان باریک محله تنها بودند.

در دو شماره آینده پایان این مجموعه را میخوانید.

کودکان در دنیا باید اعلام کنیم که این جنایت بر علیه کودکان ایران همین امروز باید استپ بخورد، و برای هر محلی بیمارستان مجهزی برای کودکان به صورت رایگان تاسیس شود. دارو باید برای همه مجانی باشد. هر گونه استفاده از مواد مخدر برای کودکان تعقیب قانونی دارد، و شخص خاطی باید مجازات شود، این تجاوز به روح و جسم کودک است، کودکانی که از مواد مخدر آسیب دیده اند را باید به بیمارستان های مخصوص انتقال داد و همچنین درمان های سطح بالای روانپزشکی را در مورد آنها به کار برد.

### ادامه خانه من کجاست؟

ولی زن عمو به سرعت به اتاق خود رفت و در را محکم بست. عمو نگاهی تند به این حرکت کرد و بدنبال او رفت. صدای بگو و مگوی آندو بالا گرفت. مریم روی مبل در حال نشسته بود و به در اتاق بسته نگاه می کرد. شعله نق خود را شروع کرد و شاهین در گوشه ای از حال روی زمین به دیوار تکیه داده بود. پس از یک ساعت زن عمو بیرون آمد و روبروی مریم فرار گرفت و به انگلیسی به او گفت:

من با شما بد نیستم ولی زندگی کردن حتی با مادرم برای من مشکل

را مصرف کند یا تریاک چه فرقی به حال سرمایه داری و جمهوری اسلامی در ایران میکند!!! در بعضی از مناطق ایران به ازای 4000 کودک تنها یک دکتر وجود دارد، بیماری های روانی، کمبود تغذیه، نبود بهداشت و بسیاری از دلایل دیگر روزمره، کودکان زیادی را بیمار میکند، آنجا که کودک زبانی برای بیان در خود پیدا نمیکنند و پدر و مادری که از درد کودک خویش به تنگ آمده اند به شیوه های سنتی و ارزان و دم دست متوصل میشوند و از دارو های مخدر استفاده میکنند. نمونه ها بسیار است. شاید شما هم شنیده باشید، گوش کودک که درد میکند در آن دود سیگار میدمند یا اگر کودک درد شدید دارد و آرام نمیشود یک تکه تریاک را در چایی به او میدهند تا از شرش خلاص شوند که صد البته استفاده از تریاک به صورت بلعیدن بسیار خطرناک است چون در این حالت 90 درصد ماده مخدر جذب بدن مخصوصا بدن نحیف و ظریف کودک میشود. در اینجا باید به عنوان بشر متمدن و حامی

ناقص و با سانسور است. این اطلاعات از طرف مرکز کیهان فقط و فقط تقصیر را به گردن والدین می اندازد و هشدار میدهد. در صورتی که مهمترین دلیل این نوع کارهای نا متعارف از سوی والدین فقر شدید مالی میباشد. آنجا که یک کارگر حتی از سیر کردن شکم خانواده خود بر نمی آید مسلما نمیتوان از پس هزینه سنگین دارو و درمان بر آید. کارگر تا بخواهد به خودش بیاید 10 تا 12 هزار تومان خرج یک دکتر عمومی آن هم نه متخصص بکند تا بفهمد که کودک چه مشکلی دارد، خرج سنوگرافی، عکس، سی تی اسکن، دارو، شربت، قرص آنچنان کمر شکن است که نیمی از حقوق یک ماهه کارگر را از بین میبرد. این تازه در صورتی است که کاری در میان باشد، به تعریف دنیای سرمایه داری اگر آن کودک جان خود را هم از دست بدهد مسیله ای نیست و مشکلی پیش نمی آید چون در این سیستم انسان ها مهم نیستند بلکه سود مهم است و کودک چیزی جز ارزش ذخیره کار معنی نمیدهد، حال این کودک بهترین دارو

یکی از خطراتی که جان کودکان فقیر را در ایران تهدید میکند استفاده مواد مخدر از طرف والدین آنها میباشد. نبود امکانات، بی سوادی پدر و مادر، فرهنگ غلط، دوری از مراکز بهداشتی، ناله های بی امان کودکان همه و همه را میتوان از دلایل استفاده از مواد مخدر برای تسکین درد کودکان نامید. صد البته که مرفین موجود در داروی مخدر به شبکه اعصاب و کلیه اعضای حیاتی بدن کودک آسیبهای جدی وارد میکند که قابل جبران در آینده نخواهد بود و چه بسا در مواردی بدل به مرگ کودک باشد. به نوشته روزنامه کیهان مرکز حمایت از کودکان کیهان در تهران آمار بالایی از استفاده مواد مخدر برای کودکان خبر میدهد و عموما چندین مورد در هفته را گزارش میدهد. گزارشات حاکی است که علاوه بر مسمومیت کودکان امکان مرگ هم وجود دارد. تنها کار مرکز حمایت از کودکان یا هر مرکزی که به نوعی به کار کودکان وصل است ارایه گزارش و آماری در این مورد است که آن هم همیشه